

جایگاه و مواضع نیروهای محلی بوشهر در برابر تجاوز و اشغالگری بریتانیا

در جنگ جهانی اول

حمید اسدپور^۱ / حسین اسکندری^۲

چکیده

اشغال ایران طی جنگ جهانی اول توسط بیگانگان به‌ویژه بریتانیا در جنوب، عرصه مهم بروز «مقاومت» در برابر بیگانگان است. مردم نواحی بوشهر، تنگستان، دشتی و دشتستان در کانون اصلی این پایداری‌ها بودند. به‌رغم دفاع همه‌جانبه مردم این نواحی در برابر انگلیسی‌ها و مزدوران آنها این پایداری در پایان، ناکام ماند. یکی از مسائل مهم در این زمینه، پراکندگی نیروهای محلی و عدم اتحاد آنها به‌ویژه رؤسای محلی در برابر بیگانگان است. سؤال اساسی این پژوهش، آن است که ماهیت و مواضع نیروهای محلی مناطق مزبور، در این مقطع تاریخی چه بوده است و چه تأثیری بر پایداری آنان در برابر انگلیس داشته است؟ به نظر می‌رسد که گرایش‌ها و منافع سیاسی و اقتصادی مختلف رؤسای محلی در این نواحی، ضعف دولت مرکزی و توطئه‌های انگلیس سبب شد تا بهره‌برداری کامل و مناسبی از نیروها و امکانات بالقوه در برابر بیگانگان صورت نگیرد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌برداری از منابع کتابخانه‌ای و به‌ویژه اسناد، به بررسی موضوع است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که تضاد منافع سیاسی و اقتصادی رؤسای محلی در جنوب و اختلافات اساسی میان نواحی شمالی و جنوبی بوشهر به همراه توطئه‌های انگلیس از عوامل اساسی شکست این پایداری‌ها و آرایش ناهمگون در برابر انگلیسی‌ها شد.

واژه‌های کلیدی: پراکندگی، ماهیت، مقاومت، استعمار بریتانیا، بوشهر، جنگ جهانی اول.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول).

Asadpour@pgu.ac.ir

Hoes1355@gmail.com

۲. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی و پژوهشگر تاریخ.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱ نوع مقاله: ترویجی

The location and positions of Bushehr's local forces against British aggression and occupation in the First World War

Hamid Asadpour¹/ Hossein Eskandari²

Abstract

The First World War and the occupation of Iran by foreigners, especially Britain in the south, is an important field in the issue of resistance against foreigners. The people of Bushehr, Tangestan, Dashti and Dashtestan regions were the main focus of these stability. Despite the all-out defense of the people of these areas against the British and their mercenaries, this persistence failed in the end. One of the important issues in this context is the dispersion of local forces and their lack of unity, especially local chiefs against foreigners. The basic question of this research is that what was the nature and positions of the local forces of the above-mentioned regions at this historical point and what effect did it have on their stability against the British? It seems that the different political and economic tendencies and interests of the local chiefs in these areas, the weakness of the central government and the British conspiracies caused the complete and proper exploitation of the potential forces and facilities against the foreigners. This article is done with descriptive-analytical method and using library resources and especially documents. The findings of this research indicate that the conflict of political and economic interests of the local leaders in the south and the fundamental differences between the northern and southern areas of Bushehr along with the British conspiracies became the main factors of the failure of these stability and heterogeneous arrangement against the British.

Key words: Dispersion, Nature, Resistance, British colonialism, Bushehr, World War.

¹ Associate Professor of the Department of History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.Asadpour@pgu.ac.ir. (Corresponding Author)

² PhD in the Islamic History of Iran. History Researcher. Hoes1355@gmail.com

مقدمه

مفهوم پایداری و دفاع از میهن در تاریخ ایران سابقه طولانی دارد. اهمیت این موضوع در تاریخ معاصر بیشتر هم شده است. در این دوره با کرنش حاکمان ایرانی در برابر سیاست‌ها و تهاجمات بیگانگان و همچنین با ترکیب ارزش‌های دینی و مذهبی با ارزش‌های وطنی و ملی، اندیشه دفاع و پایداری ماهیت آن تغییر یافته، جایگاه دوچندانی یافته است. به‌رغم ضعف دولت مرکزی ایران، مردم در مناطق مختلف کشور، حماسه‌هایی در برابر استعمارگران خلق کردند. یکی از این مناطق، کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس به‌ویژه استان کنونی بوشهر است که کانون مهمی در برابر اشغال ایران توسط بیگانگان در جنگ جهانی اول بود. مقاومت و پایداری این مردم در برابر بیگانگان به یک مؤلفه اساسی فرهنگی ناحیه تبدیل شده است.

به‌رغم فداکاری و پایداری مردمان این منطقه در برابر استعمار انگلیس، این پایداری در رسیدن به اهداف اساسی خود ناکام ماند. تاکنون به ابعاد مختلف مقاومت و پایداری مردم بوشهر، دشتستان، دشتی و تنگستان در برابر انگلیس پرداخته شده است و این عناصر در شعر، ادب و پژوهش نمود فراوانی یافته است. اما با وجود تحقیقات ارزشمند در این زمینه، ماهیت و آرایش نیروهای این پایداری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به واقع در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه به توصیف و تحلیل نبردها و حماسه‌ها پرداخته شده است و جنبه پراکندگی آرایش سیاسی مورد غفلت واقع گردیده است. در این پژوهش به بررسی ماهیت، مواضع و آرایش سیاسی نیروهای محلی این دوره از تاریخ ایران پرداخته می‌شود. سؤال اساسی پژوهش، این است که ماهیت و مواضع نیروهای محلی مناطق مزبور، در این مقطع تاریخی چگونه بوده است و چه تأثیری بر پایداری آنان در برابر انگلیس داشته است؟ به نظر می‌رسد که گرایش‌ها و منافع سیاسی و اقتصادی مختلف نیروها و رؤسای

محلی این مناطق به شکلی بود که سبب دودستگی و تفرقه در میان نیروهای مقاومت گردید و این مسئله در ناکامی این نهضت در برابر انگلیس تأثیرگذار بود. از سوی دیگر، تضاد منافع سیاسی و اقتصادی سبب تقسیم‌بندی کلی رؤسای محلی این ناحیه به دو نیروی شمال و جنوب شد که در جنبه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی به رقابت با یکدیگر پرداختند. همچنین ضعف شدید دولت مرکزی ایران این فرصت را در اختیار گروه‌ها و رؤسای محلی قرار داد تا درصدد رسیدن به منافع سیاسی و اقتصادی خود باشند که این عامل نیز بر جریان پایداری در جنوب و رقابت‌ها و قدرت‌طلبی‌های رؤسای محلی تأثیر گذاشت.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای به‌ویژه منابع اسنادی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تضاد منافع رؤسای محلی، سبب شکل‌گیری آرایش سیاسی متفاوت و گاهی متضاد با یکدیگر در برابر انگلیس شد و رقابت‌های آنها را تشدید نمود. انگلیسی‌ها نیز ضمن بهره‌گیری از این اختلافات، با دامن‌زدن به آنها تلاش کردند به اهداف خود دست یابند. مجموعه این عوامل به همراه فقدان زیرساخت‌ها در نهضت مقاومت مردم جنوب، سبب شد تا این نهضت در رسیدن به اهداف خود ناکام شود.

سابقه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره جنگ جهانی اول صورت گرفته است و اسناد متعددی از این واقعه نیز منتشر گردیده است که بخشی از آنها مربوط به نواحی جنوبی ایران به‌ویژه کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس می‌باشد. از آن جمله اسناد وزارت داخله (۱۳۶۹) به کوشش کاوه بیات، اسناد جنگ جهانی اول در ایران (۱۳۷۰) به کوشش بهروز قطبی، اسنادی در مورد هجوم روس و انگلیس به ایران (۱۳۷۰) گردآوری شده توسط محمد ترکمان و اسناد و مکاتبات آیت‌الله سید عبدالحسین لاری (۱۳۸۶) به کوشش دکتر محمدباقر وثوقی

می‌باشد. در این مجموعه‌ها به شکل پراکنده می‌توان اسنادی در مورد ماهیت و آرایش سیاسی نیروهای پایداری بوشهر در برابر انگلیس یافت. از دیگر تألیفات مهم در این مورد می‌توان به آثار نویسندگان و پژوهشگرانی مانند علی مراد فراشبندی (۱۳۶۲)، محمد مضطر (۱۳۷۳)، سیدقاسم یاحسینی (۱۳۹۱)، محمدحسین رکن‌زاده‌آدمیت (۱۳۵۷)، احمد فرامرزی (۱۳۷۷)، جمشید صداقت‌کیش (۱۳۹۴) و حمید اسدپور (۱۳۹۰) اشاره نمود. همچنین مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی از جمله پژوهش‌های خیراندیش (۱۳۹۴)، دشتی (۱۳۸۸)، مشایخی (۱۳۹۰) و هوشیار (۱۳۹۱) در مورد قیام مردم جنوب در این برهه تاریخی انجام شده است. در این پژوهش‌های ارزشمند کمتر به ماهیت و پراکندگی نیروهای مقاومت اشاره شده است.

ضعف دولت مرکزی و پراکندگی نیروهای پایداری در جنوب

یکی از عوامل و زمینه‌های پراکندگی سیاسی و ایجاد تفرقه در میان گروه‌های مقاومت در جنوب ایران، وضعیت سیاسی کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس در آستانه جنگ جهانی اول و پس از آن بود. به واقع ضعف دولت مرکزی از یک سو و فقدان تسلط لازم از سوی حکمران بنادر جنوب در این نواحی سبب شد تا رؤسای محلی در اندیشه بسط و نفوذ خود و به دست آوردن منافع بیشتری باشند. این روسا در پی کسب این منافع به رقابت و تضاد با یکدیگر پرداختند. اشغال ایران توسط نیروهای بیگانه به‌ویژه انگلیس، به‌رغم بی‌طرفی ایران بر این مسئله دامن می‌زد. با وجود آنکه مستوفی‌الممالک نخست‌وزیر ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرد و این بی‌طرفی به همه حکام و مأموران سیاسی مناطق مختلف در ایران ابلاغ شد ولی باز هم ایران عرصه رقابت‌های دول متعدد گردید (سعادت، ۱۳۹۵: ۱۹۵). در بیانیه اعلام بی‌طرفی نیز عنوان شده بود که «مأموران سیاسی باید متوجه باشند که نباید برا و بحرا، کمک و همراهی و یا ضدیت با یکی از دول متخاصم نموده و یا اسلحه و ادوات

حریبه برای یکی از طرفین، تدارک یا حمل کنند (اسناد جنگ جهانی اول در ایران، ۱۳۷۰: ۸۷).

با وجود بی‌طرفی ایران در آستانه جنگ جهانی اول، نواحی مختلف کشور و به‌ویژه نواحی جنوبی در آشفته‌گی کامل به سر می‌برد. علاوه بر ضعف دولت مرکزی در این نواحی، دخالت‌های فزاینده انگلیس نیز خود زمینه‌ساز این آشفته‌گی گردیده بود. دولت انگلیس از مدت‌ها پیش از جنگ جهانی، نفوذ کاملی در خلیج فارس یافته بود و به‌نوعی خود را حاکم بلامنازع خلیج فارس تلقی می‌کرد. چنان‌که در سفر لرد کرزن به عنوان فرماندار کل هندوستان به این نواحی، وی در ورود به بندرلنگه و بندرعباس به بهانه آسیب دیدن پایش حاضر به پیاده‌شدن از کشتی و دیدار با مقامات ایرانی نشد و به‌نوعی به تحقیر ایرانیان پرداخت. در حالی که او در همان سفر در بنادر مسقط، کویت و بحرین از کشتی خود پیاده شده بود و ضمن دیدار با رؤسای این نواحی، حاکم بحرین را صاحب البحرین خواند و به طور ضمنی حاکمیت ایران بر این جزیره را به رسمیت نشناخت (کرزن، ۱۳۷۰: ۴۴). او در سفر به بوشهر نیز سعی نمود بدون اجازه دولت مرکزی و برخلاف برنامه‌هایی که جهت بازدید وی پیش‌بینی و تدارک دیده شده بود، اقدام کند که با مخالفت حاکم فارس روبه‌رو شد، ولی مظفرالدین شاه و دربار او نگران عکس‌العمل دولت انگلیس بودند و بارها در نامه‌های مفصلی، شرح این وقایع و دلایل خود را برای انگلیسی‌ها توضیح دادند (همان، ۸۸-۸۹).

بنابر گزارش‌های مأموران سیاسی انگلیس در نواحی جنوبی ایران، افرادی به عنوان راهدار و تحت حمایت رؤسای محلی در مسیر راه‌ها مستقر می‌شدند و با متوقف کردن کاروان‌ها به اخذ عوارض راهداری سنگین می‌پرداختند. علاوه بر این گروه‌ها، وجود راهزنان نیز سبب ناامنی راه‌های جنوب و رکود تجارت در این نواحی گردیده بود و به این ترتیب درآمدی نصیب دولت مرکزی از این نواحی نمی‌شد (اوکانر، ۱۳۷۶: ۶۸). هرچند باید گفت که

اقدامات این رؤسای محلی معلول شرایط پیچیده‌ای است که یکی از علل آن اشغالگری انگلستان در جنوب ایران می‌باشد. در این دوره اگر کالایی هم وارد جنوب می‌شد یا به غارت می‌رفت یا پس از مدتی به علت ناامنی، ورود آنها از سر گرفته نمی‌شد (صداقت کیش، ۱۳۹۴: ۷۲۲).

یکی از مشکلات اساسی نواحی جنوب به‌ویژه بوشهر در این زمان، تقسیم‌بندی نامناسب و مداخله‌گری حکام در امور مربوط به یکدیگر بود. چنان‌که حکمران بنادر جنوب، سلطه کافی بر نواحی مانند دلوار و تنگستان نداشت. به‌رغم پیوستگی جغرافیایی این مناطق با بوشهر، در عمل زیر نظر حاکم فارس و خارج از حکم فرماندار کل بنادر جنوب که در بوشهر مستقر بود، اداره می‌شدند. حکمران بنادر جنوب در تلگرامی که مربوط به سرکوب شورش‌ها در دلوار بود اشاره می‌کند که «این بنادر به اقتضای طبیعت و ترتیب جغرافیایی می‌بایست در قلمرو حکومت بنادر باشند ولی تحت نظر حکومت ایالات فارس هستند. پس اگر حاکم فارس استعدادی هم داشته باشد نمی‌تواند نیروهایی با سرعت به آنجا برسانند» (اسناد ایران در جنگ جهانی اول، ۱۳۷۰: ۶۸). این مسئله در مورد مناطق دیگر بوشهر نیز صادق بود. چنان‌که حکمران بنادر جنوب در نامه‌ای به وزارت داخله تقاضا می‌کند به‌رغم آنکه در جلساتی مقرر شد تا منطقه لیراوی را جز حاکمیت حکمران بنادر جنوب قرار بگیرد ولی اقدام مؤثری در این باب صورت نگرفته است (همان، ۲۲۱). با وجود آنکه بنا بر دستور وزارت داخله منطقه لیراوی می‌بایست از بهبهان جدا می‌شد و قرار بود در قلمرو حکومت بنادر جنوب قرار گیرد ولی در عمل، حکمران بنادر، سلطه‌ای بر آن نداشت (همان، ۲۲۳-۲۲۲).

علاوه بر این تقسیم‌بندی‌های نامنظم، حکمران بنادر جنوب در همان قلمروی که تحت حکومت وی نیز قرار داشت به دلیل آشفتگی‌های فراوان و کمبود منابع و نیروهای نظامی نتوانست اقدام مؤثری انجام دهد. این ضعف سبب شده بود تا رؤسای محلی ضمن رقابت با یکدیگر، سعی در کسب نفوذ سیاسی و اقتصادی داشته باشند و اعتباری برای حکمران بنادر

قائل نمی‌شدند. حاکم بوشهر که خود نیز به این ضعف واقف بود، در تلگرافی به وزارت داخله اشاره کرده است «که صحرای ریشهر که متصل به تنگستان دارای محدوده‌ای وسیع و دارای طرق عدیده است و حفظ نظم و امنیت آن یک فوج سرباز کارآزموده لازم دارد و بنده چون ضیق مالیه دولت را می‌دانم تکلیف فوق‌العاده نمی‌کنم» (اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹:۱۲۲). وی در نامه دیگر عنوان داشته است «که سیصد فرسخ محدوده جنوب مسئولیتش با این چاکر است. شب و روز، تمام اوقاتم دفع افساد و اسکات مردم است. خدا می‌داند خسته شدم کاری نکنید مستأصل شده فرار کنم. (اسناد هجوم روس و انگلیس به ایران، ۱۳۷۰: ۳۵-۳۴). همچنین اوضاع به شکلی است که علمای بوشهر در تلگرافی به علمای شیراز از بدی اوضاع بوشهر و راهزنی‌های متعدد سخن گفته‌اند (همان، ۳۲۷).

در چنین اوضاعی بود که برخی رؤسای محلی مانند حیدرخان حیات‌داوودی و اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای با مشاهده ضعف دولت مرکزی حاضر به پرداخت مالیات نمی‌شدند (اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹: ۱۲۱). همچنین حکمران بنادر جنوب هم هزینه‌ای جهت سرکوب آنها برای جلوگیری از خودسری‌هایشان نداشت و در مرکز کشور هم اوضاع به شکل وخیمی پیش می‌رفت. چنانکه خود حکمران بنادر جنوب هم اشاره می‌کند که «اگر حکومت بنادر بخواهد یک قران خرج کند باید به تهران مخابره کند تا ببیند کی اجازه می‌رسد پس هیچ کاری پیش نمی‌رود و از این به بعد باید بیشتر انتظار وقایع ناگوار داشت» (اسناد هجوم روس و انگلیس به ایران، ۱۳۷۰: ۶۸).

در چنین وضعیتی حتی برخی نیروهای نظامی که ضعف دولت مرکزی را مشاهده کرده بودند خود به عنوان ابزاری برای صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل شدند و زمینه‌ساز راهزنی‌های بیشتر گردیدند (اوکانر، ۱۳۷۶: ۷۹). در این زمان گاهی حتی افرادی حاضر بودند سرمایه‌های خود را جمع کنند و جهت راهزنی و خرید تفنگ، نیرویی تشکیل دهند (سفیری، ۱۳۶۲: ۳۲). رؤسای محلی در این شرایط با نیروهایی مانند ژاندارمری که سعی در

برقراری نظم و امنیت داشتند به مخالفت برمی‌خاستند که نمونه آن حمله به مقر این نیروها در کازرون و قتل برخی از آنان بود (اوکانر، ۱۳۷۶: ۸۱-۸۰). از سوی دیگر، نیروهای آموزش‌دیده مانند نیروی ژاندارمری نیز نسبت به محدوده و وسعت ایالت فارس بسیار کم بودند. چنانکه در کل ایالت فارس، تنها سه هزار نیروی آموزش‌دیده وجود داشت که در مساحت این استان پراکنده بودند (صداقت‌کیش، ۱۳۹۴: ۳۸۷ و اوکانر، ۱۳۷۶: ۷۵ و ۶۹). پلیس جنوب نیز نیروی انگلیسی بود که علاوه بر تضعیف نمودن قدرت طوایف و رؤسای محلی به قتل و کشتار مردم می‌پرداخت. از آن جمله می‌توان به اقدامات پلیس جنوب در محاصره دالکی اشاره کرد که ضمن کشتار مردم به غارت ناحیه اقدام کرد (صداقت‌کیش، ۱۳۹۴: ۷۰۷). همچنین در میان خود طوایف مانند قشقایی‌ها اختلافات فراوانی وجود داشت.

در این زمان، مخبرالسلطنه، حاکم فارس، حزب دموکراتیک را تشکیل داد و ضمن تظاهر به ملی‌گرایی و وطن‌پرستی، در اساس به مخالفت با انگلیسی‌ها پرداخت. این اوضاع نابسامان حتی اعتراضات شدید علمای بوشهر علیه انگلیسی‌ها را در پی داشت و در مساجد بوشهر ضمن برپایی جلسات و مرثیه‌سرایی، مردم را به مخالفت علیه انگلیس دعوت کردند (اوکانر، ۱۳۷۶: ۱۰۴). در مجموع می‌توان گفت که «خزانه‌داری کاملاً ورشکسته، عایدات دولت اندک و هیچ ضمانتی برای جمع‌آوری مالیات وجود نداشت و حقوق اکثر مأموران نظمی هم پرداخت نشده بود» (همان، ۷۷).

بریتانیا و پراکندگی نیروهای پایداری جنوب

یکی از عوامل مهم پراکندگی مواضع نیروهای پایداری و مقاومت جنوب در برابر بیگانگان، توطئه‌های دولت بریتانیا بود. در این زمان بریتانیا ضمن حمایت از برخی از رؤسای محلی زمینه‌ساز اختلاف بین آنها شده بود. چنان‌که اشاره شد رؤسای محلی در کرانه‌ها و

پس کرانه‌های خلیج فارس در بوشهر به دو گروه رؤسای محلی شمال و جنوب تقسیم شده بودند. در این دوره بیشتر رؤسای محلی در شمال بوشهر ضمن همراهی با انگلیس به ایجاد اختلاف در صفوف نیروهای مقاومت و حتی جنگ با آنان پرداختند. البته انگلیسی‌ها در نیروها و رؤسای محلی جنوب نیز رخنه کرده بودند. همراهی برخی از این روسا با انگلستان به حدی بود که کنسول بریتانیا در بوشهر آنان را دوستان انگلیس خطاب کرده است (اوکانر، ۱۰۳-۱۰۲:۱۳۷۶).

یکی از این اقدامات که سبب اختلاف شدید در نیروهای پایداری شد، تلاش رؤسای محلی در شمال بوشهر جهت دستگیری واسموس، کنسول آلمان در بوشهر و مخالفت با فعالیت آلمانی‌ها بود. به دلیل همراهی و وابستگی این سران محلی با انگلیسی‌ها بود که واسموس و همراهانش در اطراف بندر ریگ مورد حملات نیروهای وابسته به سران حیات‌داوودی قرار گرفتند و بسیاری از اسباب و وسایل آنها ضبط شد و خود واسموس موفق به فرار به سمت برازجان گردید (اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹:۱۱۴).

این رؤسای محلی جهت توجیه اقدامات خود اعلام کردند که تلاش آنها برای دستگیری واسموس از آن جهت بود که میرزا احمدخان برازجانی، شیخ حسین چاه کوتاهی و نورمحمد دالکی قصد داشتند با حمایت واسموس به بوشهر حمله کنند. همچنین عنوان داشته‌اند که «اسباب و لوازم حرب جمع کرده‌اند و در معیت واسموس نام جرمنی فتنه و فساد را فراهم می‌آورند» (همان، ۱۳۵).

واسموس نیز با ارسال تلگرافی به وزارت داخله، نقش حیدرخان حیات‌داوودی در حمله به او و اطرافیانش و همچنین نقش انگلیس در دستگیری کنسول و وکیل تجارتخانه آلمان در بوشهر یعنی لیسترمان را یادآوری کرده است (اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹: ۱۱۴ و سفیری، ۱۳۶۲: ۵۱). در این مقطع حساس تاریخی، حکمران بنادر جنوب نیز به نوعی به انگلیسی‌ها همراهی نموده است و طی تلگرافی به وزارت داخله، زایرخضرخان تنگستانی و شیخ حسین

جایگاه و مواضع نیروهای محلی بوشهر در برابر تجاوز و اشغالگری بریتانیا در جنگ جهانی اول..... ۲۱۹

چاه کوتاهی را عامل ناامنی معرفی کرده است که با ارسال اعلامیه‌هایی به بوشهر باعث وحشت مردم شده‌اند و واسموس را عامل اصلی این تحریکات معرفی کرده است (اسناد ایران در جنگ جهانی اول، ۱۳۷۰: ۱۳۲-۱۳۱).

این اقدامات انگلیسی‌ها به همراه رؤسای محلی، در واقع نقض کامل حاکمیت ایران بود که مأموران سیاسی کشور دیگر در ایران، خودسرانه توسط کشور دیگری دستگیر شدند. دستگیری لیسترمان از مأموران سیاسی آلمان در بوشهر توسط انگلیسی‌ها حتی مورد اعتراض مخبرالسلطنه قرار گرفت. وی ضمن اعلام نارضایتی خود به انگلیسی‌ها هشدار داد که «آن‌ها به احوال مردم گرسنه آگاه هستند که در دفاع از وطن خود از دولت‌های خارجی واهمه ندارند، پس کاری نکنید که به رگ تعصب این مردم بربخورد» (احرار، ۱۳۵۲: ۱۷۹). دخالت انگلیسی‌ها در اوضاع ایران و نقض بی‌طرفی ایران به شکلی تداوم یافت که حتی پس از فرار واسموس به سمت شیراز و سپس بازگشت وی به تنگستان، بیش از سی هزار نیروی نظامی انگلیسی در بوشهر استقرار یافتند. آنها ضمن ورود این نیروها، امکانات و ابزارهای نظامی نیز در ساحل بوشهر قرار دادند و سپس مقر نیروهای خود را در بهمنی که یک فرسخ جنوب بوشهر است، معین نمودند. همچنین آنها به تقویت قوای دفاعی و توپخانه‌ای خود پرداختند و در طی شش ماه، خطوط تلگراف و چراغ‌های برقی دریایی برای هدایت کشتی‌ها در لنگرگاه بوشهر ایجاد کردند (سعادت، ۱۳۹۰: ۲۰۵-۲۰۴).

یکی از نمونه‌های مهم در اختلاف‌افکنی میان رؤسای محلی جنوب که توسط انگلستان در این دوره صورت گرفته گسترش اختلافات میان اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای و غضنفرالسلطنه است. غضنفرالسلطنه حاکم برازجان از مخالفان دولت انگلیس بود. پس انگلیسی‌ها ضمن ایجاد اختلاف، سعی در حمایت از اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای داشتند که به نوعی در گروه رؤسای محلی منطقه شمال بوشهر قرار گرفته بود و ضمن نزدیکی با خوزستان رابطه بیشتری با انگلیس و مشایخ عرب داشت. در این زمان تنگستانی‌ها نیز جانب مردم برازجان را داشتند

و امکان داشت جنگ خونین و گسترده‌ای در دشتستان صورت گیرد (اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹: ۱۴۰). تلگراف‌های متعدد ژاندارمری به وزارت داخله، حکایت از آن دارد که حکمران بوشهر نیز ضمن همراهی با انگلیسی‌ها یک عراده توپ به منطقه سعدآباد جهت حمایت از اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای برای حمله به برازجان ارسال کرده بود (همان، ۱۴۰-۱۴۱). همچنین شیخ‌خزعل ملقب به سردار ارفع که ارتباط نزدیکی با انگلیسی‌ها داشت، ششصد نفر را از محمره «خرمشهر» به کمک اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای فرستاد که با مخالفت‌های حاکم فارس روبه‌رو شد. حاکم فارس خواست که هر چه سریع‌تر این اعراب به محدوده منطقه خوزستان بازگردند (همان، ۱۴۳-۱۴۲).

از نمونه‌های دیگر این اختلاف‌افکنی، ارسال پول و اسلحه توسط انگلیس برای برخی از کدخدایان دشتی بود که تا پیش از آن، حامی مخالفان انگلیس بودند. انگلیسی‌ها، آنها را تطمیع نمودند تا علیه نیروهای مقاومت به همراهی با این قدرت استعماری اقدام کنند (فرامرزی، ۱۳۷۷: ۴۳). سران و رؤسای محلی در مناطق شمالی بوشهر مانند احمدخان انگالی، حیدرخان حیات‌داوودی و محمدعلی‌خان پسر اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای ضمن همراهی با انگلیس به رخنه در صفوف نیروهای مقاومت و پایداری اقدام می‌نمودند (همان، ۶۱). اکثر رؤسای شمال نیز در نبرد علیه نیروهای مقاومت مانند شیخ حسین چاه‌کوتاهی و زایرخضرخان اهرمی و قتل آنها شرکت نمودند (فراشبندی، ۱۳۶۲: ۱۰۷). در این زمان برخی از رؤسای تنگستان و چغادک نیز در صفوف حامیان انگلیس قرار گرفتند و پس از شکست برخی از مخالفان انگلیس مانند زایرخضرخان، اقدام به تصرف اموال او کردند. احمدخان انگالی و شیخ عبدالله نیز غارت اموال شیخ حسین چاه‌کوتاهی را در دستور کار خود قرار داده بودند. (فرامرزی، ۱۳۷۷: ۶۴-۶۱ و ۷۵-۷۴). زایر عبدالله خان دشتی نیز با کمک انگلیسی‌ها، خورموج را به تصرف درآورد و به دستگیری مخالفان آنها اقدام کرد. (همان، ۷۸).

زمانی که انگلیسی‌ها مقر خود را در فاصله هلیله و بوشهر قرار داده بودند و به تحکیم سلطه خود در این مناطق اقدام می‌کردند (مضطر، ۱۳۷۳: ۳۶) و حتی مخالفان خود را در بوشهر، بهمینی و سبزآباد سرکوب می‌کردند (جام جم، ۱۳۳۳: ورقه فوق العاده) برخی از رؤسای محلی مانند حاج علی تنگکی کدخدای ریشهر، به‌رغم آنکه خود تنگستانی بود به همراهی با انگلیسی‌ها پرداخت و به مأموران آنها در بندر بوشهر اطمینان داد که تنگستانی‌ها به این بندر حمله نخواهند کرد و از جانب آنها خطری متوجه انگلیس نخواهد شد (بالیوز بریتانیا در بوشهر، ۱۳۸۶: ۱۵۴). به نظر می‌رسد که انگلیسی‌ها از برخی از این روسا استفاده نموده، سپس خود در مواردی حتی اقدام به نابودی آنها کرده‌اند. چنانکه انگلیسی‌ها ضمن بهره‌بردن از اختلافات موقرالذوله، حاکم بوشهر، با حاج‌علی تنگکی در حمله به تنگک به همراهی و همکاری با موقرالذوله پرداختند (چیک، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

به واقع این نمونه‌ها، به‌روشنی سیاست انگلستان در ایجاد تفرقه میان نیروهای پایداری را نشان می‌دهد. جالب آنکه برخی رؤسای محلی که در برابر انگلیس جنگیدند در ابتدا منافع خود را در همراهی با انگلیس جست‌وجو می‌نمودند و سپس تحت تأثیر حوادث این ناحیه و کسب موقعیت بهتر به مخالفت با انگلیس پرداختند. چنان‌که شیخ حسین چاه‌کوتاهی در نامه‌ای که به مستر چیک، کنسول انگلیس در بوشهر، نوشته است؛ اشاره نموده که مایل به دشمنی با انگلیسی‌ها نیست ولی به دلیل ترس از فشارهای مردم و علما تکلیف خود را نمی‌داند و قادر به همراهی با انگلیس نمی‌باشد. وی در این نامه عنوان داشته است که «اگر بخواهم علناً با شما همراهی کنم ملعون می‌شوم و قاطبه مسلمین فحش به اجداد و اسلافم داده به خودم ناسزا می‌گویند و علما و مجتهدین هم حکم کفر داده، پس بلا تکلیفم و آلا میل ندارم با شما دشمن باشم و دوستی را قطع کنم. از آن گذشته فارس، دشتی و دشتستان دویست هزار بلکه متجاوز مرد جنگی دارد و جان و مالم در معرض خطر است و در این حدود دشمن فراوان دارم» (فرامرزی، ۱۶-۱۵: ۱۳۷۷). او همچنین اشاره نموده است که با وجود فرمان‌های

علما برای جهاد سعی کرده تا خوانین دشتستان را از جنگ با انگلیس برحذر دارد و خود را «خیرخواه و دوستدار دولت بهیمه» معرفی کرده است که در پشت پرده علیه مخالفان انگلیس کارشکنی می‌کند (همان، ۱۷). شیخ حسین چاه کوتایی در نامه دیگری نیز به کنسول انگلیس، ضمن تشریح وقایع جنگ جهانی اول، خوشحالی خود را از پیروزی‌های انگلیسی‌ها بیان می‌دارد (همان، ۱۰۴).

تضادهای منافع سیاسی و اقتصادی و پراکندگی نیروهای مقاومت

یکی از مسائل مهم که در هنگام قیام مردم جنوب در برابر استعمار انگلیس و در ناکامی و عدم تحقق اهداف این قیام نقش داشت، تضادهای حاصل از تلاش برای کسب منافع بیشتر در نزد رؤسای محلی بود. اسناد و گزارش‌های متعدد بیانگر آن است که رؤسای محلی در این نواحی، سعی در کسب منافع اقتصادی فراوان حاصل از زمین‌های کشاورزی، مالیات‌ها، عواید گمرکی و راه‌های تجاری داشتند که به تبع آن بر قدرت سیاسی و نظامی آنها نیز می‌افزود. از جمله این اختلافات و درگیری‌ها می‌توان به رقابت و اختلاف میان اسماعیل خان شبانکاره‌ای و آقاخان از رؤسای محلی دشتستان اشاره نمود. تلگراف‌های ارسال‌شده به وزارت داخله نشان می‌دهد که اسماعیل خان تلاش دارد منافع اقتصادی بیشتری در ناحیه دشتستان به دست آورد. چنان‌که در تلگرافی اشاره شده است که اسماعیل خان برای چند گاو و چند اصله درخت خرما حرکات مضر انجام می‌دهد (اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹: ۱۳۰-۱۳۱). لازم به ذکر است که خوانین شبانکاره در دوره‌های بعد نیز سعی در کسب منافع فراوان و تسلط بر بخش وسیعی از منطقه دشتستان داشتند (ساکما، ۲۹۳/۱۰۹۲۴ و ۲۹۳/۱۰۹۲۴). آنها خود را مالک جان و مال رعیت می‌پنداشتند و از هر اقدامی در سرکوب مردم منطقه فروگذار نبودند (ساکما، ۲۹۳/۱۰۹۲۸).

جایگاه و مواضع نیروهای محلی بوشهر در برابر تجاوز و اشغالگری بریتانیا در جنگ جهانی اول..... ۲۲۳

اما اوج مشکلات و تضاد منافع که ضربه اساسی بر پیکره نهضت مقاومت جنوب وارد نمود، اختلافات فراوان میان رؤسای محل در مناطق جنوبی بوشهر بود که نقش پررنگی در مبارزه علیه انگلیس داشتند. چنان که در تلگرافی به اختلافات شدید میان خوانین دشتی، دشتستان و اهالی برازجان اشاره و تأکید شده که این اختلافات می‌تواند مشکلات اساسی در این نواحی ایجاد کند (اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹:۱۳۴). این اختلافات در زمانی بود که علمای بزرگی مانند آیت‌الله سید عبدالحسین لاری در جنوب و بالعکس رؤسای محلی سعی در بسیج مردم علیه استعمار انگلیس داشتند. چنان که آیت‌الله لاری در اعلامیه‌های خود انگلیسی‌ها را «شیاطین انس و دیوانیان ابالیس» نامید و خواستار همبستگی همه گروه‌ها علیه انگلیسی‌ها شد (اسناد و مکاتبات آیت‌الله سید عبدالحسین لاری، ۱۳۸۴: ۷۳ و ۷۴ و ۸۷ و ۸۹).

چنان که اشاره شد یکی از عوامل اصلی این اختلافات، تلاش بسیاری از این رؤسای محلی جهت کسب منافع اقتصادی حاصل از عایدات گمرکی، مالیات و مسیرهای تجاری بود. برای نمونه می‌توان به رؤسای محلی در مسیر تجاری احمدی به برازجان اشاره کرد که این روسا با کسب مالیات‌های بسیار فراوان و غیرقانونی، منافع فراوانی کسب می‌کردند. مورد دیگری از این مسئله، تلاش‌های این روسا برای تسلط بر منافع گمرکی دلوار بود که تا پیش از این وقایع، کدخداها و رؤسای محلی در دلوار بر گمرکات آنجا سلطه داشتند و حتی از طریق قاچاق کالا سود زیادی کسب می‌کردند (مظفری، ۱۳۲۸: ۱۲/۱۹).

در این دوره انواع کالاها، حتی کالاهای ممنوعه، از مناطقی به‌ویژه بحرین وارد گمرک دلوار می‌شد و رؤسای محلی در این مناطق خود را جایگزین نمایندگان رسمی دولت نموده بودند (همان و مظفری، ۱۳۲۸: ۴/۴). این مسئله تنها مربوط به قاچاق کالا نبود بلکه قاچاق اسلحه نیز بر مشکلات این نواحی افزوده بود (یا حسینی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). زایر خضرخان که خود را حاکم بلامنازع تنگستان می‌دانست بر درآمدهای گمرکی دلوار چشم دوخته بود و رئیس‌علی دلواری را مانعی برای رسیدن به خواسته‌های خود تلقی می‌کرد. در درگیری‌های

اولیه دریایی، حاکم بوشهر، با رؤسای محلی دلوار، علاوه بر سربازان دریایی تعدادی از نیروهای چاه کوتاهی نیز حضور داشتند و زائر خضرخان هم قول ارسال دویست و پنجاه نیروی جنگی داده بود (همان، ۷۳ و ۷۲). همچنین در حملات دریایی به دلوار نیز حکمران بوشهر ضمن نامه‌ای به رئیسعلی تأکید کرد که سرپرستی گمرک دلوار و عایدات آن را به زائر خضرخان اهرمی تسلیم کند (کتاب آبی، ۳/۱۳۶۶:۷۱۶).

در این دوره بسیاری از تجار بحرین با رئیسعلی دلواری در ارتباط بودند و از این ارتباط و آرامش حاصل شده توسط رئیسعلی در دلوار خشنود بودند. رئیسعلی نیز که گاهی احساس خطر می‌کرد می‌توانست خانواده و دارایی‌های خود را به آسانی به بحرین منتقل کند و آسوده‌خاطر به مقابله با مخالفان پردازد (مظفری، ۳۲/۱۳۲۹:۱۵). البته لازم به ذکر است که در میان رؤسای محلی مخالف انگلیس، رئیسعلی دلواری دارای عقاید و شور مذهبی و ملی فراوانی بود و ارتباط فراوانی با علمای بزرگ داشت. محبوبیت رئیسعلی در میان مردم جنوب به‌ویژه پس از شکست دادن انگلیسی‌ها و قتل افسرانی مانند اولیفانت و جی.رنکینگ و برخی سربازان هندی افزایش یافته بود. پس رؤسای محلی مانند زایرخضرخان اهرمی و شیخ حسین چاه کوتاهی از این مسئله ناخشنود بودند (فراشبندی، ۱۹۹:۱۳۶۵-۲۰۰). پس در زمانی که رؤسای محلی قصد حمله به بوشهر داشتند نیز رئیسعلی را دیر در جریان حمله گذاشتند تا نتواند نقش مؤثری ایفا کند و محبوبیتش افزایش یابد (یاحسینی، ۱۳۸:۱۳۹۱-۱۳۷). هرچند باید گفت که انگلستان پس از قتل تعدادی از نیروهایش توسط رئیسعلی، به توقیف کشتی‌های ایرانی و افراد صاحب‌نفوذ و همچنین منع تجارت برخی شرکت‌های داخلی و خارجی در بوشهر اقدام نمود (سفیری، ۵۳:۱۳۶۲).

زمینه اصلی این اختلافات، تضادهای ناشی از تلاش برای کسب منافع سیاسی و تجاری بود که قبل از نبرد با انگلستان نیز وجود داشت. تا پیش از نبرد با انگلیس، رؤسای محلی مانند شیخ حسین چاه کوتاهی به عنوان بازوی نظامی حاکم بوشهر عمل می‌نمود و شیخ حسین حتی

در مواردی با دریافت توپ و تفنگ از حاکم بوشهر سعی در سرکوبی برخی از نیروهای تنگستانی داشت. همچنین برخی از رؤسای تنگستان مانند حسن خدابخش که از همزمان رئیسعلی محسوب می‌شد با زایرخضرخان و شیخ حسین چاه‌کوتاهی اختلافات ملکی و اقتصادی شدیدی داشت (فرامرزی، ۲:۱۳۷۷ و ۹۹). این تضادها چنان بود که حتی زمانی رئیسعلی خواهان رفع اختلافات و همراهی با زایرخضرخان اهرمی شد ولی شیخ حسین چاه‌کوتاهی از ترس نیروهای اهرمی سعی کرد از خوانین شبانکاره بهره گیرد (بالیوز انگلیس در بوشهر، ۳۱۹:۱۳۸۶). ترس شیخ حسین چاه‌کوتاهی از این بود که نیروهای حامی رئیسعلی و زایرخضرخان با تهیه سلاح از مناطقی مانند بندر مسقط به خوبی مسلح شده بودند و با داشتن اطلاعات کاملی از چگونگی تهیه سلاح از بندر خلیج فارس می‌توانستند نفوذ بیشتری به دست آورند (چیک، ۱۳۹۲:۱۲۷).

محبوبیت رئیسعلی برای سران و رؤسای محلی قابل‌تحمل نبود و کاملاً حسادت آنها را برانگیخته بود. چنان‌که رئیسعلی دلواری در نامه‌ای به میرزاعلی کازرونی به توطئه این افراد علیه خودش اشاره کرده است (رکن‌زاده‌آدمیت، ۱۱:۱۳۵۷). برخی از مورخان و پژوهشگران در ماجرای شهادت رئیسعلی دلواری نیز معتقدند که این رؤسای محلی بودند که توطئه قتل رئیسعلی را طراحی کردند. فراشبندی از نگرانی شدید زایرخضرخان اهرمی سخن گفته است که وی رئیسعلی را مانع اساسی در بسط قدرت خود می‌پنداشته است (فراشبندی، ۶۵:۱۳۵۷). در سال ۱۳۲۹ ق نیز نظام‌السلطنه والی فارس طی تلگرافی گلایه‌های خود را از حاکم بوشهر عنوان می‌دارد که شیخ حسین چاه‌کوتاهی را به جنگ علیه زایرخضرخان اهرمی برانگیخته است (اسناد ایران در جنگ جهانی اول، ۲۰:۱۳۷۰). به واقع در تلگراف‌های متعدد نظام‌السلطنه نیز به اختلافات شدید میانه رؤسای محلی اشاره شده که حاکم بوشهر هم می‌توانست از این اختلافات در جهت توسعه نفوذ و قدرت خود بهره گیرد.

نتیجه گیری

اندیشه‌ی مقاومت و پایداری در تاریخ ایران به‌ویژه در جنوب و استان کنونی بوشهر جایگاه ویژه‌ای دارد و از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ این سرزمین شده است. در جنگ جهانی اول مردم کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس در استان بوشهر افتخارات جاودانه‌ای به سبب قیام‌ها و پایداری در برابر اشغالگران انگلیسی خلق نمودند. این مبارزات تحت تأثیر اندیشه‌ها و عقاید مذهبی و با حمایت علمای بزرگ صورت گرفت و شور ملی و میهنی در آن تلفیق گردیده بود. هرچند انگلیسی‌ها سعی کردند نهضت مردمی را مرتبط با جاسوسان آلمانی نشان دهند و قیام‌های مردمی این ناحیه را به آلمان‌ها نسبت دهند؛ اما اسناد تاریخی بیانگر عقاید مذهبی و ملی این قیام‌کنندگان در برابر اشغالگران و مزدوران آنهاست. برخی از حکام بوشهر نیز سعی کردند حرکت‌های نیروهای مقاومت و پایداری علیه انگلیس را به شکل آشوب‌های محلی برای مقامات مرکز نشین بیان کنند.

به‌رغم درخشندگی این مبارزات در تاریخ ایران، واقعیت‌های تلخی در آن پدیدار شد. یکی از این واقعیت‌های تلخ، پراکندگی آرایش سیاسی نیروها و مواضع آنهاست که گاهی به رقابت و تضاد شدید میان رؤسای این قیام‌ها منجر گردید. در این دوره رؤسای محلی در بوشهر به دو گروه رقیب در شمال و جنوب تقسیم شدند. رؤسای محلی نواحی شمالی بوشهر عمدتاً به هواداری و همراهی با انگلیسی‌ها پرداختند و رؤسای نواحی جنوبی رهبری مبارزه علیه انگلیس را بر عهده داشتند که البته در میان همین رؤسای محلی جنوب نیز اختلافات عمیقی وجود داشت. اصل مسلم آن است که نهضت مردم جنوب که با حمایت‌ها و فتوای علمای مذهبی و به رهبری رؤسای محلی شکل گرفت، معلول شرایط بسیار گسترده است و همین شرایط یکی از زمینه‌های مهم در پراکندگی آرایش سیاسی این قیام‌ها است. چنان‌که پس از مشروطه کابینه‌های بسیار متزلزل و کوتاه‌مدتی در ایران بر سر کار آمدند و این وضعیت در جنگ جهانی اول نیز شدت یافت. ضعف سیاسی، نظامی و مالی دولت مرکزی و

به تبع آن حکمران بنادر، این فرصت را به رؤسای محلی داد تا در پی گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود باشند. تلاش آنها برای تحصیل منافع بیشتر، خود سبب پراکندگی، رقابت و گاهی جنگ میان آنها می‌شد. علاوه بر آن، تقسیم‌بندی نامنظم کشوری هم به این مسئله دامن می‌زد، چنان‌که برخی نواحی مانند لیراوی و تنگستان که از نظر جغرافیایی با بوشهر مرتبط بودند زیر نظر حکمران بوشهر اداره نمی‌شدند و تحت نظر حاکمان خوزستان و فارس قرار داشتند. در آن شرایط تاریخی و بعد مسافت، این حاکمان نمی‌توانستند به اداره منظم این سرزمین‌ها بپردازند و این فرصت را به رؤسای محلی می‌دادند تا خودسری‌های خود را تداوم بخشند.

علت دیگر پراکندگی نیروهای مقاومت آن بود که انگلستان با حمایت گسترده از رؤسای محلی در شمال بوشهر، آنها را به جنگ و رقابت با رؤسای جنوبی ترغیب می‌کرد و همچنین با تطمیع برخی رؤسای جنوب به نفوذ و رخنه خود در میان این نهضت پرداخت و به اختلافات آنان دامن می‌زد. انگلستان در اجرای نقشه‌های خود گاهی از مشایخ عرب خوزستان مانند شیخ خزعل بهره برده است.

عامل مهم دیگری که ضربات عمیقی بر پیکره مقاومت مردم جنوب زد تضادها و اختلافات رؤسای محلی جنوب بر سر مسائل سیاسی و اقتصادی بود. این روسا سعی در گسترش منافع و بهره‌گیری وسیع از اوضاع سیاسی و اقتصادی داشتند. به‌واقع آنان تلاش نمودند با توجه به تزلزل قدرت سیاسی دولت مرکزی، در جنبه‌های مختلف اقتصادی مانند مالیات‌ها، عوارض گمرکی و راهداری و همچنین درآمدهای کشاورزی بیشترین بهره را ببرند. این تضاد منافع، سبب آرایش و مواضع سیاسی و گاهی نظامی پراکنده آنان در برابر اشغالگران گردید و در نهایت یکی از علل ناکامی این نهضت بزرگ شد. البته در میان این رؤسای محلی، رئیسعلی دلواری را باید مستثنی نمود که دارای شور عمیق مذهبی و ملی بود. لازم به ذکر است که این حرکت‌ها و مقاومت‌ها فاقد تشکیلات منظم و زیرساخت‌هایی بودند که بتوانند نیروی

گسترده مردمی را به شکل سازمان یافته علیه انگلیس بسیج کنند. فقدان همین زیرساخت‌ها خود سبب اختلافات میان روسا و عدم همگرایی مواضع سیاسی و نظامی آنها در برابر انگلیس گردید.

کتابنامه

الف) اسناد

- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، ش.بازیابی ۲۹۳/۱۰۹۲۴؛ ۲۹۳/۱۰۹۲۵؛ ۲۹۳/۱۰۹۲۸.
- اسناد ایران در جنگ جهانی اول، به کوشش بهروز قطبی، تهران: نشر قرن، ۱۳۷۰.
- اسناد هجوم روس و انگلیس به ایران، به کوشش محمد ترکمان، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
- اسناد و مکاتبات آیت‌الله سید عبدالحسین لاری، به کوشش محمدباقر وثوقی، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴.
- اسناد وزارت داخله: ایران در جنگ جهانی اول، به کوشش کاوه بیات، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۹.
- مشروطیت جنوب ایران به روایت اسناد بالیوز بریتانیا در بوشهر، ترجمه حسن زنگنه، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۶.

ب) کتب

- احرار، احمد، طوفان در ایران، ج ۱، بی‌جا، نشر نوین، ۱۳۵۲.
- اسدپور، حمید، تاریخ شبانکاره، بوشهر: انتشارات دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ۱۳۹۱.
- اوکانر، فردریک، از مشروطه تا جنگ جهانی اول، خاطرات فردریک اوکانر، ترجمه حسن زنگنه، تهران: شیرازه، ۱۳۷۶.

جایگاه و مواضع نیروهای محلی بوشهر در برابر تجاوز و اشغالگری بریتانیا در جنگ جهانی اول..... ۲۲۹

چیک، هربرت، گزارشات مستر چیک از رویدادهای فارس و بوشهر در جنگ جهانی اول، ترجمه افشین پرتو، تهران: همسو، ۱۳۹۲.

رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، فارس و جنگ بین‌الملل، تهران: نشر اقبال، ۱۳۵۷.

سعادت، محمدحسین، تاریخ بوشهر، تصحیح عبدالرسول خیراندیش، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۰.

سفیری، فلوریدا، پلیس جنوب ایران، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.

صداقت‌کیش، جمشید، مبارزات مردم فارس علیه پلیس جنوب، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۴.

فراشبندی، علیمراد، جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵.

فراشبندی، علیمراد، گوشه‌ای از انقلاب مسلحانه مردم تنگستان، دشتی و دشتستان علیه استعمار، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.

فرامرزی، احمد، شیخ حسین چاه‌کوتاهی، به کوشش قاسم یا حسینی، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۷.

کتاب آبی: گزارشات محرمانه وزارت خارجه انگلیس، جلد ۳، ترجمه گروهی از مترجمان، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نو، ۱۳۶۶.

لرد کرزن در خلیج فارس بر پایه اسناد وزارت خارجه، تهران: واحد نشر اسناد و دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.

مضطر، محمد، حماسه رئیسه‌علی دلواری، بوشهر، نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.

هوشیار، احمد، نقش علما در قیام‌های ضد استبدادی و ضد استعماری در جنوب ایران ۱۳۳۵ -

۱۲۵۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۹۱.

یا حسینی، سید قاسم، رئیسه‌علی دلواری و تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت مردم جنوب، تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۱.

ج) نشریات

جام جم، سال اول، ش ۸، ورقه فوق‌العاده، ۱۳۳۳.

۲۳۰ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

خیراندیش، عبدالرسول و ذاکری، سکینه، «وقایع تنگک و تنگستان ساحلی در نخستین ماه‌های جنگ جهانی اول؛ نقض بی‌طرفی ایران و شکل‌گیری مقاومت‌های مردمی»، پژوهشنامه تاریخ محلی، ش ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۲۰۸-۱۹۳.

دشتی، رضا «حماسه رئیسه‌علی» شاهد یاران، ش ۵۲، ۱۳۸۸، صص ۸-۱۸.
مشایخی، عبدالکریم، «نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر توسط قوای انگلیس»، مطالعات تاریخی، ش ۳۲، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۰-۲۵.

مظفری س ۱۰، ش ۳۲، ص ۱۵، ۱۳۲۹.

مظفری س ۱۰، ش ۴، ص ۴، ۱۳۲۸، ۴.

مظفری، س ۱۰، ش ۱۹، ص ۱۲، ۱۳۲۸.

